

شیر زنان سازنده

شعری از سیروس امیرمنصوری
برای فاطمه عربشاهی سبزواری



حسن مروجی چاپ شده، و نمونه‌ی آثارش قبل از انقلاب در ماهنامه‌ی باغ صائب به مدیریت مرحوم خلیل سامانی (موج) و ماهنامه‌ی وحید (به مدیریت مرحوم دکتر سیفالله وحیدنیا) چاپ شده است. البته کامل‌ترین و مشروح‌ترین شرح حال فاطمه عربشاهی سبزواری در کتاب مادر در ادبیات معاصر تألیف رحیم فضلی دیده می‌شود.

آقای سیروس امیرمنصوری از این بانوی قرآن‌پژوه و شاعر بیش‌تر به دلیل زحمات وی در تربیت فرزندان خدمتگزار جامعه چنین قدردانی کرده است:

در صبح دم که رنگ افق هست آذرین خورشید نور و گرمیش افشاند بر زمین در یک طلوع بخت، خداوند هدیه داد فرزند نابغه، پسری لایق و ثمین بر فاطمه که هست عربشاهی اش لقب مادر که روز و شب به عبادت نهد جبین بر آن پدر که عالم و نامش علیتی ست بر خانواده‌ی بی که بود مؤمن و امین در صبح ۷ آذر شد خانه شان بهار از شادی تولد سید حسن امین کودک به صبر و زحمت بسیار فاطمه استاد شد به دانش و در شعر بهترین فرزندهای دیگر او چهار گوهرند خدمتگزار مپهن خود، پیروان دین از کوشش مدام و کمالات مادر است اولاد، افتخار وطن می شود چنین با رنج لحظه هاست چنین پرورش دهند بر مادر نمونه دو صد بار آفرین می خواهم از خدا دهدش طول عمر نیک پیوسته با صلاح و سلامت شود قرین از من بسی درود به این‌گونه مادران هرگز نباد خاطرشان لحظه‌ی غمین

عشاق تو به راه تو خون‌ها فشانده‌اند
خونی که با غرور و شرف وصف
می‌کند

پیمان پاسداری فر و شکوه تو
وقت دفاع خاک وطن، قطره قطره‌اش
درگیر و دار غرش طوفان جنگ و
مرگ

فریاد می‌زند... گوینده‌ی حماسه‌ی
عشق وطن منم.

وقت دفاع خاک وطن، قطره‌قطره‌اش.
درگیر و دار غرش طوفان جنگ و مرگ.

فریاد می‌زند... گوینده‌ی حماسه‌ی
عشق وطن منم.

کتاب دیگر این شاعر، با عنوان «عیب
مرا گویند» در صفحه‌ی ۷۷

ماهنامه‌ی حافظ شماره‌ی ۶۵ معرفی شد. آن کتاب مورد مطالعه و تایید و تحسین بانو فاطمه عربشاهی قرار گرفت و تلفنی با مؤلف صحبت کرد و یادآور شد که کاش، سفارشی هم به جوانان درباره‌ی ادای فریضه‌ی نماز کرده بودند. از این رهگذر آقای سیروس امیرمنصوری که در ستایش اشخاص کم‌تر شعر سروده است، شعر زیر را در وصف این بانوی فرهیخته و بالیامان و شاعر ساخته است که شرح حال و نمونه‌ی آثارش سابقاً در کتاب زنان شاعر تألیف مهری شاه حسینی و اخیراً در جلد دوم کتاب تذکره سخنوران بیهق تألیف

گلها و گلبرگها، چاپ تهران، انتشارات آشیانه‌ی کتاب، ۱۳۷۶ (شامل ۳۲۷ صفحه اشعار) + ۹۶ صفحه قطعات ادبی)، دیوان اشعار شاعر معاصر سیروس امیرمنصوری متخلص به سیروس، متولد ۱۳۱۹ ارومیه، ساکن تهران، با درجه‌ی تحصیلات لیسانس است که با کاغذ و جلد نفیس و تذهیب عالی چاپ شده است. نمونه‌ی شعر این شاعر هفتاد ساله این است:

دولت بندگی عشق جهانی دارد
که پر از ناله‌ی عشاق جهانی ست هنوز
نمونه‌ی قطعات ادبی چاپ شده در این کتاب، «حماسه‌ی عشق وطن» است که عیناً نقل می‌شود:

مادر، تمام نیک و بدم را حلال دار.
من پیشتاز صحنه‌ی پیکار دشمنم.
آن‌جا... در آن کرانه‌ی خونین
آفتاب...

آن‌جا که خون سرخ چکد، از رگان
جنگ.

آن‌جا که باد مرگ وزد در فضای
دشت.

آن‌جاست، وعده‌گاه من و مام میهنم.
گویم به مادر وطنم، جاودانه باش
ایثار راه شوکت تو، جانم و تنم
آن دوستدار جان به کف و پاکباز تو
بودم نخست و عهد وفای تو، نشکنم